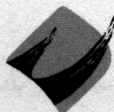


# فیلسوف دانشجو است

کریم مجتهدی



نشر کرجدن

## فهرست

- پیش‌گفتار ناشر ..... ۱
- فیلسوف دانشجو است ..... ۳
- یادداشتی در آسیب‌شناسی فلسفه: تظاهر جاهلانه به فرهنگ بدتر از بی‌فرهنگی ..... ۹
- فلسفه و پژوهش: فرزاندگی و جست‌وجوگری ..... ۱۳
- اندکی دربارهٔ سرنوشت فلسفه در ایران ..... ۱۷
- تربیت فلسفی جوان امروز ..... ۲۱
- پژوهش دانش‌محور و تاریخ فلسفه غرب ..... ۲۷
- استقلال ذهنی دانشگاهیان ..... ۳۳
- گفت‌وگوی دو نسل: سخنی با نخبگان ..... ۳۷
- آسیب‌شناسی وضعیت تفکر فلسفی در ایران معاصر ..... ۴۱
- سنت کاذب، تجدد کاذب ..... ۴۷
- فلاسفه بزرگ آینده بشرند نه گذشته او ..... ۵۵
- انسان و جهان ..... ۵۹
- شناخت طبیعت و هماهنگی روحی انسان ..... ۶۵
- نظر و عمل ..... ۷۱
- صلح، افق امید ..... ۸۵
- روشنگری بر لبهٔ روشنایی و تاریکی: بحثی در باب جنبش روشنگری و نسبت کانت با آن ..... ۹۱



۹۵	-----	ملاحظات در فلسفه هنر کانت
۹۹	-----	هگل و فلسفه تاریخ او
۱۱۱	-----	تأثیر افکار افلاطون در زیباشناسی هنری در دوره تجدید حیات فرهنگی غرب
۱۴۳	-----	فلسفه در ایران به روایت ژان شاردن
۱۵۵	-----	هویت از نظر فرهنگی و فلسفی
۱۸۷	-----	مختصری درباره فلسفه‌های مقایسه‌ای
۱۹۵	-----	شرح حی بن یقطان بوعلی سینا
۲۰۱	-----	بررسی مؤلفه‌های حکمی - فلسفی کتاب کشف‌المحجوب ابویعقوب سجستانی
۲۰۹	-----	سخنی درباره قلب
۲۱۳	-----	سقراط، اسیر وجدان
۲۲۱	-----	تصاویر
۲۲۹	-----	نمایه

## پیش‌گفتار ناشر

فیلسوف دانشجو است مشتمل است بر مجموعه‌ای از نوشته‌ها و گفته‌های استاد اندیشمند و دردمند فلسفه دکتر کریم مجتهدی. ایشان با ده‌ها کتاب و صدها مقاله و چند دهه تدریس فلسفه به نسل‌هایی از دانشجویان برای همه ایرانیانی که علاقه‌ای به فلسفه داشته باشند آشناتر از آن‌اند که نیاز به معرفی‌شان باشد و به ویژه سهمی که استاد در شناساندن جریان‌های فلسفی غرب در ایران داشته‌اند غیرقابل انکار است.

این کتاب در بردارنده طیف نسبتاً وسیعی از موضوعات مختلف است، اما همه مطالب کتاب در حقیقت حول دغدغه‌های همیشگی استاد مجتهدی وحدت یافته است، دغدغه‌هایی مانند شأن و اهمیت فلسفه و نسبت آن با دیگر شئون زندگی انسانی از قبیل علم و الهیات و هنر و تاریخ. آسیب‌شناسی وضع فلسفه در ایران، وضع بشر معاصر در قبال جهان و طبیعت و جنگ و صلح، نسبت نظر و عمل، مسئله فلسفه‌های مقایسه‌ای و تعاملات فکری فیلسوفان و هنرمندان در دوره‌هایی خاص، و مطالبی درباره سابقه فلسفه در سنت و فرهنگ ما از موضوعات این کتاب است و روش پرداختن به جملگی آنها روش معمول پدیدآورنده‌شان، یعنی نگرش فلسفی با رویکرد تاریخی، بوده است. هر یک از مطالب کتاب به خودی خود گویاست و لزومی ندارد در اینجا به تفصیل به آنها اشاره شود؛ تأکیدات همیشگی دکتر مجتهدی در مقام استاد با سابقه فلسفه با حساسیت‌هایی خاص کم‌وبیش در همه مطالب فیلسوف دانشجو است. هویدا است. از حیث صوری بخش‌های مختلف کتاب مجموعه متنوعی است از سخنرانی‌ها، گفته‌ها، یادداشت‌ها و مقالات پژوهشی، به علاوه یک مصاحبه خواندنی درباره سقراط که در انتهای کتاب آمده است. کوشش شده است اجمالاً ترتیب مطالب بر اساس سیر از طرح



انتقادی مسائل روزمرتر فرهنگی به جانب امور پژوهشی‌تر و تخصصی‌تر باشد، اگرچه هر یک از مطالب کاملاً مستقل است و ترتیب خواندن آنها بیش از همه منوط به سلائق و علایق خوانندگان گرامی خواهد بود.

از لطف و اعتماد استاد گرانقدر آقای دکتر کریم مجتهدی سپاسگزاریم و امیدواریم این کتاب در جهت بیدار کردن حساسیت‌های به‌جای فرهنگی و فکری در بین دوستداران واقعی حکمت و اندیشه در سرزمین‌مان مؤثر باشد. همچنین ناشر وظیفه خود می‌داند از جناب آقای محمدمنصور هاشمی به دلیل همفکری و همیاری در انتشار این کتاب تشکر نماید.

## فیلسوف دانشجو است<sup>۱</sup>

«نمی‌دانم!»، به صورت متکلم وحده، معروف‌ترین شعار سقراط بوده و او از این رهگذر به راز بنیادی فلسفه و روش خاص تعلیم آن اشاره می‌کرده است. درباره ادعای «نمی‌دانم!» سقراط، باید در ابعاد عمیق معنایی آن دقت کرد تا متوجه شد که این نوع «نمی‌دانم!»‌ها، نه الزاماً آغاز و نه بالضروره انجام فلسفه است، بلکه کشف این نکته دلالت به مجاهدت‌های طولانی‌ای دارد که سقراط به عنوان متعاطی فلسفه همیشه به عهده داشته است. سقراط در واقع نه در اول راه بوده است و نه در آخر آن؛ او با فهم این مطلب، همین‌قدر متوجه شده بود که الزاماً باید راه را ادامه داد و بس. اراده جویندگی نزد او به نحو دائم فعالیت داشته است. سقراط با شعار «نمی‌دانم!»، دین خود را به فیثاغورس ادا می‌کرده، همان کسی که اول بار با بیان لفظ فلسفه آن را «حب حکمت»<sup>۲</sup> دانسته است. فیلسوف خود را حکیم و دانشمند نمی‌داند، بلکه عشق یادگیری دارد و شایق آن است. این دقیقاً همان لحظه‌ای است که او پی می‌برد که باید خود را دانشجو بداند. سقراط با شعار «نمی‌دانم!» بر نظر فیثاغورس تأکید کرده و بر آن صحنه گذاشته است. او با آگاهی از نادانی خود، عشق به یادگیری را در دل خود بیدار کرده و گویی مرحله‌ای از تحول ذهنی خود را به پایان برده و به مرحله اصیل‌تری از آن رسیده است: او متوجه شده که معرفت سطحی نمی‌تواند معرفت به حساب آید و آموختن به نحوی همان پرورش عشق به آموختن است. مسلم است که با ادعای «می‌دانم!» ... می‌دانم!‌ها، نمی‌توان دانا و دانشمند شد، بلکه برعکس چنین شخصی حتی از حداقل حقوق و مطالبات دانشجویی نیز محروم خواهد ماند.

البته برای اینکه موضع سقراط را در قرن پنجم قبل از میلاد در آتن بیشتر متوجه شویم، در درجه اول باید ملاحظه کنیم مخاطبان او در آن دوره چه کسانی بوده‌اند و او با چه کسانی می‌خواست

۱. بر اساس این نوشته، سخنرانی کوتاهی در همایش «فلسفه آموزش عالی» در دانشگاه شهید بهشتی در تالار ابوریحان به تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۹۴ ایراد شده است.